

در مزایای سردبیری

«سردبیری مجله حداقل این خوبی را دارد که تعداد زیادی کاغذ یک رو سفید گیرت می‌آید». این گفته شوخی‌آمیز از دوستی است که مرا در حال جدا و دسته کردن کاغذهای ۴۱ یک رو سفید مقالات مردودی دیده بود. اما از شوخی گذشته، سردبیری نشریات علمی آموزشی برای کسانی که علاقه‌مند به مسائل علمی - فرهنگی، تولید و ترویج علم اند، مزایای فراوان دارد. یکی از این مزایا همانا مطالعه اجباری آثار دیگران و در نتیجه آموختن از دیگران و نیز شناخت بهتر و بیش‌تر قشرهای علمی - فرهنگی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و در اعتلای آن می‌کوشد.

چندی است که این توفیق اجباری، یعنی خواندن نوشته‌های همکاران، رو به گسترش گذاشته، یعنی شمار نوشته‌هایی که برای چاپ در این نشریه می‌رسد، به گونه‌ای معنی‌دار رو به افزایش گذاشته است. مثلاً سه سال پیش برای هر شماره در حدود ۱۰ نوشته را از میان نوشته‌های رسیده برای چاپ بررسی می‌کردیم، اکنون اما، این شمار به حدود ۶۰، یعنی به حدود ۶ برابر رسیده است!

در میان نوشته‌هایی که می‌رسد، شمار نوشته‌های تألیفی کم‌تر، اما تعداد نوشته‌های ترجمه‌ای بیش‌تر است. اگر چه بیش‌تر این نوشته‌های ترجمه‌ای، در واقع ترجمه‌هایی هستند از مقالات علمی و کم‌تر آموزشی؛ اما همه‌ی آن‌ها حداقل از یک نظر با هم تفاوت دارند: مخاطب؛ مثلاً برخی متون برای پژوهشگران زیست‌شناسی نوشته می‌شوند، برخی برای دانشجویانی که در حال تحصیل علم در مقطع کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های پرشمار شاخه‌ی زیست‌شناسی، بعضی برای افرادی که زیست‌شناسی نمی‌دانند یا کم می‌دانند و برخی که شمار آن‌ها از همه کم‌تر است، برای دانش‌آموزان نوشته می‌شوند.

نخستین دشواری از همین جا آب می‌خورد و نخستین اصل پذیرش مقاله‌ها هم که همانا «مخاطب‌شناسی» است، از همین جا ناشی می‌شود. مخاطب اصلی نشریه‌ی ما معلوم و مشخص است: دبیر زیست‌شناسی. پس بدیهی است نوشته‌هایی که برای دبیران زیست‌شناسی، یعنی مخاطبان نشریه نوشته نشده باشند، کم‌فایده‌اند و به درد اکثریت خوانندگان مجله نمی‌خورند. بدیهی است که مقالات پژوهشی بیش از حد تخصصی را مخاطب ما که حداقل مدرک کارشناسی خود را از یکی از دانشگاه‌ها گرفته، نمی‌خواند و مطالبی که دانستن آن‌ها بر مخاطب ما فرض است، مانند خواص برخی خوراکی‌ها نیز مردودند.

لذا، نخستین پرسشی که هنگام بررسی نوشته‌های رسیده مطرح می‌کنیم، این است که آیا این نوشته در چهارچوب آموزش زیست‌شناسی نوشته شده و برای دبیران زیست‌شناسی کشور مفید و مناسب است، یا خیر؟ دومین اصل چگونگی نگارش متن است که نشان می‌دهد مترجم یا مؤلف چند مرده حلاج است، تا چه اندازه در نوشتن آن ابتکار و نوآوری به خرج داده است، چقدر تجربه داشته و چقدر به متن مسلط بوده است. برای آن که مطلب روشن‌تر شود، بهتر است به مصداق ضرب‌المثل معروف «ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان»، یک مثال از نوشته‌های مردودی بزنم.

پس بگذارید دست کنم و از میان همان کاغذهای یک‌رو سفید که دسته کرده بودم، یکی را بکشم بیرون... قرعه‌ی فال به کاغذی می‌افتد که نویسنده آن را با رایانه حروفچینی کرده، چاپ گرفته و در کمال خوش‌سلیقگی برای مان فرستاده است. در سرآغاز آن چنین می‌خوانیم:

من یک زیست‌شناسی تکاملی با یک تعیین وقت ۵۰٪ در یک مدرسه طب هستم با مقداری ترس از کمبود توجه تکاملی دریافت شده توسط مدارس طب.

اولین حسی که پس از خواندن این جمله به سراغ ما می‌آید، استشمام بوی شدید ترجمه آن هم از زبان انگلیسی است؛ اما شگفتا که نویسنده‌ی مقاله نه فقط ذکر از اصل مقاله نکرده، بلکه از منبع و مأخذ هم سخنی به میان نیاورده و فقط نام خود را بر بالای مقاله نوشته است. پس بد نیست مطابق رسمی که داریم، در وب چرخی بزنیم و درباره‌ی هویت این نوشته جست و جویی بکنیم. هر چه باشد، امروزه ابزارهای جست و جوی نوشته‌های علمی به اندازه‌ای پیشرفت کرده است که حتی از روستایی دور دست هم که از قضا کلمات این نوشته در آن تایپ می‌شود، می‌توان با دادن چند واژه‌ی کلیدی طی چند دقیقه، اصل مقاله‌ها را به دست آورد! موتورهای جست و جوی وب کار خود را می‌کنند. دو دقیقه بعد اصل مقاله وارد رایانه‌مان شده است و دقیقه‌ای پس از آن جمله‌ی اصلی را پیدا می‌کنم:

As an evolutionary biologist with a 50% appointment in a medical school, I am somewhat dismayed by the lack of attention evolution receives in Medical Schools.

پس از مقایسه‌ی ترجمه با اصل معلوم می‌شود این همکار محترم‌مان هنوز فریادی را دلسوزان زبان فارسی برآورده‌اند که زبان فارسی از سوی مترجمان خام دست در خطر است، نشنیده یا اگر هم شنیده، نسبت به آن بی‌اعتنا بوده است. او به زبان انگلیسی تسلط نداشته، چون برابری نامناسب برگزیده است. به علاوه، به زبان فارسی هم چندان وارد نبوده است، چون جمله‌ای که با پشت سر هم قراردادن کلمات درست کرده‌است در قالب زبان فارسی نیست، نامفهوم و ناگویاست. در نتیجه نتوانسته است مفاهیم جالب آن متن را به درستی به فارسی برگرداند. موتورهای جست و جوی وب را به حرکت در می‌آوریم و با آن‌ها به جست و جوی ترجمه‌ای احتمالی از این مقاله می‌پردازم. گشت و گذار در دنیای وب ما را به ترجمه‌ای از این مقاله رهنمون می‌کند. جمله‌ی مذکور را در ابتدای متن می‌یابیم:

من که زیست‌شناس تکاملی هستم و ۵۰٪ از وقتم را در یکی از دانشکده‌های پزشکی می‌گذرانم، از نبود توجه به تکامل در دانشکده‌های پزشکی قدری نگرانم.

تفاوت‌های مهم این جمله با جمله‌ی مترجم اولی آن است که این مترجم دوم تحمیل قالب زبان انگلیسی را بر زبان فارسی نپذیرفته و نیز برابری مناسب‌تری به جای واژه‌های انگلیسی گذاشته است. مثلاً در برگردان نخستین واژه «As» آن چنان که رایج هم شده است، نوشته «به عنوان...» یا «به مثابه...»؛ «appointment» را تعیین وقت و «medical school» را «مدرسه‌ی طب» ترجمه نکرده است. به احتمال زیاد مترجم دوم، جمله‌ای را که ترجمه کرده، حداقل یک بار بازخوانی و اصلاح کرده است. از جمله چنین بر می‌آید که او هنگام نوشتن، مخاطب را رو به روی خود فرض کرده و گویی رو در رو با او سخن می‌گوید، جمله‌ی خود را نوشته است. بنابراین پس از آفرین

گفتن به مترجم دوم، یعنی مترجم متنی که ترجمه‌اش را روی وب یافتیم، ناچاریم با ناخشنودی از ناراستی آن همکار که منبع را نوشته و نیز از جسارت او در ارسال سیاه مشق‌های خود برای چاپ در نشریه‌ای که نسبت به این قبیل ناراستی‌ها و بی‌دقتی‌ها حساس است، نوشته‌ی اولی را در زمره‌ی کاغذهای یک رو سفید بگذاریم تا از غنیمت سردبیری، یعنی از پشت سفید کاغذهای آن برای نوشتن استفاده کنیم و به سراغ نوشته‌های دیگرانی برویم که در واقع دو تا از چهار چرخ مجله را می‌چرخانند و نیمی از انرژی گرمایی بدن زنده‌ی این یگانه نشریه‌ی سراسری ویژه‌ی دبیران زیست‌شناسی کشور را تأمین می‌کنند.

سردبیر